

مرتضى زين الدين اف

مرجانی و مرحله نو رشد ادبی خلق های تاجیک و تاتار

تأثیر ادبیات فارس و تاجیک و عرب بر ادبیات مردم ترک‌زبان، از جمله تاتار در مرحله اول بارآور و در مدت کوتاه تاریخی موجب رشد و نمو آن گردیده است.

گسترش روابط دوجانبه ادبیات معارف‌پروری و دوره نو آن - جدیدیه در تاریخ افکار اجتماعی دیدگاهی نوین گشود. معارف‌پروران تاتار آگرسوی، ش. مرجانی، آ. برودی، خ. فیاض‌خان‌اف، ق. ناصری، ر. فخرالدین‌اف و دیگران که در زمینه فرهنگ اسلامی به کمال رسیده‌اند، چون پیشاهنگان این جریان با درک ترقیات حیات جهت عملی نمودن این غایه جدال نموده‌اند. البته آنها به یکبارگی نمی‌توانستند که تمام ارکان فرهنگ و ادب خود را به سطح اروپایی برابر سازند. عقیده‌های معارف‌پروری آنها در زمینه مضمون‌ها، تمثال و فعالیت قهرمانان اثرهای ادیبان تاجیک و فارس که خصوصیت معرفتی، اخلاقی و قهرمانی داشتند، تدریجاً به مراحل تدریجی پیشرفت رسیده است. یعنی در این دوره «کلیله و دمنه»، «طوطی‌نامه»، «هزار و یک شب»، «جوامع الحکایات»، «گلستان» و «بوستان» و به خصوص «شاهنامه» با آرمانهای تربیتی و اخلاقی و وطن‌پرستی خود به فعالیت معارف‌پروران تاتار تأثیر فیض‌بخش رسانید.

در ارتباط با این موضوع زندگی‌نامه و فعالیت یک تن از فرزندان بلغار، دانشمند ورزیده تاریخ و فرهنگ اسلامی شهاب‌الدین مرجانی عبرت‌آموز بوده، دلیل معتمد ارتباط روشنفکران تاتار با حوزه‌های تمدن ایرانی است.

زبان فارسی تاجیکی برای او از دوران نوجوانی آشنا بوده، آموختن، آگاهی و توجهش به ادبیات و فرهنگ ایرانی اسلامی به شخصیت و فضیلت پدر مدرسش

بستگی دارد. او در مدرسه روستای تاشگیچ به شاگردان در کنار دروس دیگر، از زبان فارسی تاجیکی نیز تدریس کرده است. در همین ایام وی از کتاب درسی صرف زبان فارسی راضی نشده، برای طالب‌علمان تاتار دستور نو صرف و نحو زبان فارسی-تاجیکی را تألیف نموده است.

گذشتگان او شخصیت‌های معروف عالم اسلام بوده، از علم‌های زمان-علوم اسلامی، فلسفه، فقه، هندسه و تاریخ آگاهی کامل داشتند و توانستند شهاب‌الدین را نیز در همین راستا تربیت نمایند. با شرافت آنها مرجانی راجع به فلسفه اسلامی، تاریخ، فقه، ملل و نحل معلومات کامل پیدا نمود. اما این همه طلبات جویندگی او را قانع نکرد و او طبق سنت رایج سال ۱۸۳۸ برای تکمیل سواد به بخارای ادب‌پرور سفر نمود. مرجانی زمانی وارد بخارا گردید که شکوه و شهامت پیشتر این شهر تا حدی کاهش یافته، در مدرسه‌های آن اساساً تعلیم قرآن و متن‌های دینی راه‌اندازی می‌شد. بنابر این او نزد مدرسان مدرسه‌ها مسئله وارد نمودن اصلاحات را به میان می‌گذارد، اما این ایده از سوی کسی جانبداری نشد و او به طور مستقل به آموختن دستخط‌های کتابخانه‌های بخارا مشغول می‌شود. از راه تعلیم فرزندان ثروتمندان مبالغی فراهم می‌کند و توسط آنها نادرترین دستخط‌ها را خریداری می‌نماید.

او در بخارا با دانشمندان معروف اسلام حسین بن محمد الکریمینی آشنا گردیده، در کتابخانه او کار و برای آثار او مواد جمع‌آوری می‌کند. در همین شهر او با دانشمند دیگر غجدوانی آشنا می‌شود که عقاید دینی و علمی او در دایره‌های رسمی دینداران شهر مورد توجه قرار داشت. آشنایی با دانشمندان معروف بخارا، همکاری و سبق از استادان دانشمند مدرسه‌ها دایره فهم و دانش مرجانی را وسیع نمود که او به رویدادهای عالم متوجه شد.

در همین شهر به دستخط‌های هم‌وطنش، دانشمند معروف ابونصر کُرسوی آشنا گردیده، کوشش درک اندیشه‌های علمی و فلسفی او را کرد. دانشمندان تاتار در اثرها و مقاله‌های خود با افتخار تأثیر پرفیض محیط بخارا بر جهان‌بینی مرجانی را تأکید کرده‌اند. از جمله در مقاله و اثرهای دانشمند تاتار آیدر یوزی‌اف که عقیده‌های معارف‌پروری، اصلاحات‌خواهی، فعالیت علمی و مدرسی ش. مرجانی مفصل ارزیابی گردیده است، در مورد محیط علمی و فرهنگی بخارا و سمرقند و تأثیر آن بر جهان‌بینی ش. مرجانی نیز سخن می‌رود.^۱

ش. مرجانی با افتخار گروه مدرسان بخارایی ذیل را به عنوان استادان خود اعتراف کرده است: صالح بن نادر بن عبدالله خجندی، محمد بن صفر الخجندی، فضل غجدوانی، عبدالؤمن آفشنندی، خدای‌بردی بایسونی، بابارفیغ خجندی، شریف بن عطا بن هادی بخارایی.^۲

هرچند تعلیم مدرسه‌های بخارا به طلبات نو جامعه سازگار نبود و مرجانی را نیز نمی‌توانست قانع سازد، ولی از محیط بخارا بی‌منفعت نبود.

بعد از پنج سال دانش‌اندوزی در بخارا ش. مرجانی به نیت آشنایی با محیط علمی و تقویت دانش به شهر سمرقند سفر می‌کند که سمرقند در طول عصرها توجه طالبان علم را به خود می‌کشید و چون مرکز تمدن اسلامی آسیای میانه شهرت داشت. ش. مرجانی در مدرسه آوازه‌دار «شیردار» تحصیل نموده، دانش و معرفتش را تقویت داد.

آشنایی با دانشمند معروف تاجیک، تاریخ‌دان و تاریخ‌شناس ورزیده ابوسعید سمرقندی رغبت او را به آموزش علوم تاریخ زیاد نمود. این دانشمند تاجیک واقعاً در کمالات معنوی ش. مرجانی سهم شایسته دارد که مرجانی نیز بارها با اهتمام از

ابوسعید سمرقندی یاد می‌کند.

ش. مرجانی در سمرقند برای درک عمیق‌تر عقاید هم‌وطنش ابونصر کسروی کوشش می‌کند (۱۷۷۶-۱۸۱۲) و تا اندازه‌ای تحت تأثیر آن قرار می‌گیرد. ش. مرجانی بعد از ۲ سال باز به بخارا برمی‌گردد، زیرا بنا به تأکید استاد ص. عینی در سمرقند فضای مساعد برای علما و روشنفکران محدود گردیده، آنها برای ابراز جزئی‌ترین اندیشه‌های ترقی‌خواهی مورد تعقیب استبداد قرار می‌گرفتند. شاید سبب به بخارا برگشتن دانشمند تاتار به همین اوضاع سمرقند ارتباط داشته باشد. این بار او تحصیل خود را در مدرسه «میر عرب» که با کتابخانه پرگنجش مشهور بود، ادامه می‌دهد.

در مدرسه او با آثار الحنفی، النسفی، الفارابی، ابن سینا و محصول قلم دیگر دانشمندان شرق اسلامی آشنا گردیده، جداً به آموختن فرهنگ، تاریخ، فلسفه و دین و آیین مردم شرق مشغول می‌شود.

معلوم می‌گردد که ش. مرجانی در شهرهای بخارا و سمرقند در کنار آموزش علوم زمان، به عرف و عادات و سنن رایج نیز توجه نموده است. از جمله او نخستین اثر خود را راجع به تاریخ مردم ترک‌زبان آسیای میانه تألیف نموده است.^۳ فعالیت معارف‌پروری ش. مرجانی با تکیه به همین گونه زمینه‌ها شکل گرفت و او اگر در بخارا و سمرقند همانند دیگر روشنفکران تاجیک زیر فشار سخت استبداد اندیشه‌های ترقی‌خواهانه‌اش را نتوانست ابراز کند، لیکن بعد از بازگشت به قزان اندیشه‌های انتقادی خود راجع به نظام بخارا بیان نموده است.

استاد ص. عینی که محیط فرهنگی و علمی سمرقند و بخارا را خوب می‌دانست و از حادثه و واقعه‌های سیاسی زمان آگاه بود، با طالب‌علمان تاتار و

باشقیر و قزاقها و ترکمن‌های مقیم سمرقند و بخارا از نزدیک آشنا بوده، با آنها در تأسیس مکتب و معارف و مطبوعات همکاری داشته است. ش. مرجانی در بین طالب‌علمان تاتارستان و باشقیرستان نفوذ و اعتباری خاص داشت. او را ص. عینی همچون عالم دانشمند و معارف‌پرور معرفی نموده، در ردیف علمای رسمی بخارا نام می‌برد. «داملا فضل غجدوانی، مؤمن‌خواجه و ابگندی، ملا خدای بردی بایسونی، داملا مرجانی قزانی از علمای رسمی بخارا از جدول‌های درس ناراضی باشند هم، زیر فشار سخت استبداد کاری کرده نتوانستند. لیکن شهاب‌الدین مرجانی بعد به قزان برگشتنش اصول و ترتیبات بخارا را آشکارا تنقید کرده، به مردم تاتارستان احوال حقیقی بخارا را فهمانده توانست».^۴

ش. مرجانی بعد از ۱۱ سال مسافرت در شهرهای بخارا و سمرقند با کوله‌باری غنی از دانش، یادداشتهای شخصی، دست‌نویس‌ها، دستور و کتاب‌های ضروری به قزان برگشت.

دلیل دیگر تاریخی نیز از مناسبت‌های دیرینه تاجیکان و تاتارها و مکتب بزرگ معرفتی مدرسه‌های بخارا و سمرقند در دست است. حسن‌الدین البلغاری، ارسلان بن بشیر التنتری (متوفی ۱۸۴۱-۱۸۴۲) پدر مرجانی را با ابونصر کرسوی در یک پایه گذاشته است.

دانش و تجربه به ش. مرجانی شهرت و اعتبار بخشید. سال ۱۸۶۷ شورای علمای مسلمانان اطراف رودهای ولگا و اورال با نظرداشت دانش عمیق وی در علوم اسلامی، او را آخوند و محتسب قزان تعیین نمود که نشان احترام از جانب حکومتداران روسیه بود. او به خواهش دایره‌های رسمی حکومتی چاپ قرآن را در چاپخانه قزان تحت نظارت گرفت و بعداً اثر تحقیقاتی راجع به تاریخ ترجمه و نشر

این کتاب مقدس به طبع رساند.

سالهای ۷۰-۸۰ عصر ۱۹ زمان آشنایی ش. مرجانی با فرهنگ روس، علمای خاورشناس دانشگاه قزان می‌باشد. او با پروفیسور ا.ف. گتوالد، آکادمیسین و.و.رادلوف، پروفیسور ا. کاظم‌بیک نخستین زن خاورشناس آ.س. لیبیدیوا-گلناره‌خانم و دیگران مناسبت خوب پیدا نمود که اساس روابط آنها تمدن شرق و زبان‌های شرقی بود. ش. مرجانی همچون داندۀ خوب زبان‌های عربی و فارسی تاجیکی و فرهنگ شرق معروف بود که سال ۱۸۷۳ سفیر کاشغر هنگام ورود به قزان مهمان مرجانی بود. سال ۱۸۷۶ ش. مرجانی در خانۀ خود عالم معروف ف.فینش (Ф.Финш) و مؤلف اثر «عالم حیوانات» آ. بیرم (А.Берм) را قبول نمود.

او از بین علمای مسلمان اولین شخصی بود که به عنوان عضو جمعیت باستان‌شناسی، تاریخ و مردم‌شناسی دانشگاه قزان انتخاب گردید و با گزارش و معروضه‌های علمی خود دقت شرق‌شناسان را به خود جلب نمود. سال ۱۸۷۷ در شهر قزان انجمن عمومی روسیه‌ای برگزار شد که در آن حدود ۳۰۰ نفر از عالمان شرق‌شناس از شهرهای گوناگون روسیه و مملکت‌های خارجی شرکت ورزیدند. در این انجمن معتبر سخنرانی ش. مرجانی راجع به تاریخ دولت بلغار و قزان سخنرانی نمود که از جانب دانشمندان خوش پذیرفته شده، سال ۱۸۸۴ با زبانهای تاتاری و روسی در مجموعه مقاله‌های انجمن به طبع رسید.

سالهای ۸۰ عصر ۱۹ دایرۀ فعالیت علمی و معارف‌پروری ش. مرجانی باز هم فراختر گردیده، آثار پرارزش فلسفی و تاریخی تألیف نمود. در همین دوره اثر مشهور «وفیة الاسلاف و تحية الاخلاف» تألیف نموده، راجع به ۶۰۵۷ عالم، ادیب و متفکران شرق اسلامی معلومات پرارزش می‌دهد که در این مجموعه فرزندگان ملت تاجیک نیز با مهر ذکر شده و از آنها به عنوان پیشرو در حیات جامعه یاد شده

است. از جملهٔ علما و دانشمندان عصر ۱۰-۱۱ شرق اسلامی ابوبکر محمد بن موسی الخوارزمی، احمد محمد اسفراینی، الملکیه عبدالوهاب بن علی بن حمید، محمد بن حسین الکوفی، محمد بن عبدالله نیشابوری، علی بن احمد بن جعفر البستانی که چون خرقانی مشهور است.^۵

در همین دوره علاقه‌مندان به سفرهای او به منطقه‌های گوناگون روسیه و شرق دور و نزدیک جهان‌بینی و دنیای معنوی او فراخ گردیده، فعالیت معارف‌پروری او وسعت می‌یابد. از آنجا که ش. مرجانی پروردهٔ فرهنگ اسلامی بود، چون یک تن از معتقدان اسلام سال ۱۸۸۰ نیت سفر حج نمود. در اثنای سفر از یادگاری‌های تاریخی شهرهای نژنی نوگروود (Нижний Новгород)، مسکو، کرسک (Курск)، کیف، ادیسه (Одесса)، استامبول، ازمیر، اسکندریه، قاهره، مکه، مدینه، دمشق و بغداد دیدن نموده، بعد از طواف کعبه همچون حاجی به وطن برمی‌گردد. وی در یادداشتهای شخص خود هر لحظهٔ خاطرمان آن را ثبت نموده است. از جمله نتیجهٔ سفر یکروزه‌اش را چنین ذکر کرده است:

«۹ سوال من با وزیر کارهای خارجی ترکیه عاصم پاشا و سعید آتون بن محمد بن آتون (Аун) (پسر شریف حسین) وا خوردم. نامبرده با وجود آنکه زبان ترکی را می‌دانست، با من عربی گفتگو کرد... او نفر بامعرفت و هم‌صحبت خوب بوده است. مرا دانش عمیق او عاید به تاریخ، جغرافیا و نجوم‌شناسی در حیرت گذاشت. او در بارهٔ کتاب من «نظرة الحق» شنیده بوده است. علاقه‌مندان از من ورود و غروب آفتاب در کشور ما پرسیده، نسبت به دانشمندان ما، شاگردان و عموماً حیات مسلمانان ما مرافقت ظاهر نمود... من او را خبردار کردم که عاید به نجوم‌شناسی مقاله نوشته‌ام. او خواهش نمود که برایش آن مقاله و «نظرة الحق» را فرستم.

- شما ترک هستید، خلق ما ترکند، برای همین باید کتابتان را به زبان به

خلق ترک فهما نویسید. برای چه شما اثرهای خود را به زبان عربی می‌نویسید؟

در این باره به او جواب دادم:

-شاگردان و عالمان ما زبان عربی را می‌دانند. بنابر این ما می‌خواهیم کتاب‌هایمان به خلق‌های مسلمان که اکثریتشان زبان عربی را می‌دانند، فهما و دسترس باشد. او با دلیل‌های من راضی شد و قناعت‌مندانۀ خواهش نمود که بار دیگر هم صحبت او شوم»^۶.

معلوم می‌گردد که وسعت نظر و دایره دانش و بینش ش. مرجانی واقعاً فراخ بوده، به برکت زبان‌دانی و تمدن‌های مختلف افکار معارف‌پروری او شکل یافته است. به تعبیر فیلسوف شناخته کانت، معارف‌پروری یک مرحله ناگذری است که از طبیعت انسان و عقل و ذکاوت وی بر می‌آید و انسانیت در این دوره گذرش تاریخی رشد نموده، از دوره نابالغی روحی به دوره بلاغت روحی می‌رسد.^۷

غرض از این تأکید گشودن دامنه بحث در مورد انگیزه‌های جریان معارف‌پروری نیست، زیرا معلوم است که پیدایش معارف‌پروری در غرب، مثلاً در فرانسه و انگلستان ویژگی‌های خود را دارد و در روسیه و آسیای مرکزی نیز. در جنبش معارف‌پروری هر کدام از این مملکت‌ها سنت‌های ملی، شرایط اجتماعی و سیاسی، خصوصیت و سبب‌های پیچیده این پدیده بیان یافته است.

در پیدایش و شکل‌گیری افکار معارف‌پروری ابونصر کرسوی، ش. مرجانی، ق. ناصری، آ. برودی و دیگر معارف‌پروران تاتار جنبش‌های فکری فرانسه و روسیه نیز تأثیر رسانیده است. ش. مرجانی از افکار پیشقدم ژان ژاک روسو و دیدرو و روشنفکران دیگر فرانسه، همچنین متفکران روس ف. پروکوپویچ، (Ф. Прокопович) ا. کانتیمیر (A. Кантемир)، م. لومونوسف (М. Ломоносов)، ا. رادیشف (А. Радишев)، ن. دبرولیوف (Н. Добролюбов)، و. بیلینسکی (В. Белинский)، ن. چیرنیشفسکی (Н. Чернишевский)، ا. گیرسین (А. Герсен) و دیگران آگاهی داشته، اندیشه‌های جالب آنها را در تشویق افکار معارف‌پروری خود مورد استفاده قرار داده است.

پیدایش افکار معارف‌پروری آسیای مرکزی که یکی از پدیده‌های مهم معنوی اواخر

سده ۱۹ و آغاز سده ۲۰ محسوب می‌یابد، که در جریان تکوین خود تنها از معارف پروری روس تأثیر نگرفته، بلکه از جریان معارف پروری و اصلاحات خواهانه آذربایجان، تاتارهای قزان، ارین‌بورگ، قریم، افغانستان و ایران، هندوستان و مملکت‌های دیگر شرق بهره برداشته است. جای شبهه نیست که در آثار ا. دانش، صدقی عجزی، اسیری و دیگر روشنفکران تاجیک تأثیر افکار معارف‌پروران روس به نظر می‌رسد. ولی در این مورد تأثیر افکار خلق‌های ترک و تاتار به افکار اجتماعی تاجیکان نباید فراموش گردد.

دانشمند تاجیک غ. عاشوراف به معارف پروری همچون جهان‌بینی نو نگریده، چنین ارزیابی نموده است که: «...در سالهای پیشین تأثیر افکار روسیه به معارف‌پروران آسیای میانه از حد زیاد نشان داده می‌شد که حقیقت تاریخ را کاهش می‌داد. از طرف دیگر تأثیر افکار مردم ترک و تاتار به افکار جمعیتی تاجیکان به طور ضروری ذکر نمی‌گردد. حال آنکه تأثیر افکار مردم ترک‌نژاد: تاتارهای قزان و قریم، ترک‌های آذربایجان و دیرتر ترکان عثمانی به جنبش‌های غایوی امارت بخارا و ژنرال‌گوبیرناتوری ترکستان خیلی زیاد بود، چونکه این جنبش‌های غایوی در بین ترکان قزان، قریم، باکو، استامبول نسبت به آسیای میانه بر وقت تشکّل یافته، اساسگذاران معارف‌پروری در بین تاتارهای قزان ابونصر کرسوی (۱۷۶۳-۱۸۱۳)، شهاب‌الدین مرجانی (۱۸۸۴-۱۸۸۹) و در بین تاتارهای قریم اسماعیل گاسپارینسکی (Гаспаринский) بودند. کرسوی و مرجانی در مدرسه‌های بخارا تحصیل کرده بودند».^۸

به اندیشه ما، سبب دیگر به انتشار سریع افکار و اندیشه‌های معارف‌پروران تاتار در آسیای مرکزی آن است که شخصیت آنها در محیط حوزه‌های فرهنگی آسیای مرکزی، به خصوص سمرقند و بخارا شناخته شده و دانش و فضل و موقعیت اجتماعی آنها تا اندازه‌ای از جانب روشنفکران تاجیک اعتراف گردیده بود.

حیات فرهنگی سده ۱۹ و آغاز سده ۲۰ برای رواج و صفت تازه یافتن رابطه ادبی مردم تاجیک و تاتار شرایط فراهم آورد. تأسیس دانشگاه دولتی قزان، پیدایش مطبوعات جدیدی و چون مرکز پر قوت علم شرق‌شناسی نفوذ پیدا نمودن شهر قزان و فعالیت پرمحصل روشنفکران تاتار در گسترش روابط ادبی، دریچه‌ای نوین گشود که روزنامه «وقت» و مجله

